



یکوقتی میزان مصرف صابون یا کاغذ از مقیاس تمدن و رشد فکری و عقلی ملل حکایت میکرد و مأخذ مقایسه بود . امروز باید گفت بیمه و میزان نسبی مبلغ و عدد و انواع آن نشانه توجه و رشد فکری و ارتقاء سطح زندگی و اقتصاد هر ملت است .

یکوقتی از روی نادانی حتی مبلغین شرکتهای بیمه ، بیمه را به قمار تشبیه میکردند ، امروز ، عاقلانه این است که بیمه نکردن و بیمه نشدن را به قمار تشبیه کنیم .

تاریخ بیمه بیک تقریب بقرن چهارده میرسد که در آن زمان ثروتمندان یونانی موقع مسافرت کشتی ها بناخدایان مبالغی میدادند مشروط باینکه اگر غرق شدند ذمه آنان بری شود و در صورت سلامت برگشتن بارنج کلانی پس بدهند .

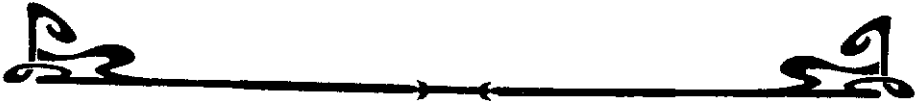
کم کم چون زندگی بشر همیشه در معرض خطر و ضررهای گوناگون از قبیل خشکسالی، کم آبی، غرق، خرابی، سرقت، حریق، نقص عضو و بیماری و مرگ است برای تقسیم فشار و تخفیف آلام و آثار این وقایع بفرکر چاره افتادند و شرکتهائی برای بیمه تشکیل دادند.

جنگ بین المللی اول مبلغ و مروج خوبی شد زیرا افرادی که بیمه شده و در جنگ کشته شدند تکیه گاهی برای رفاه بازماندگان خود گذاشتند و رفاه نسبی آنان را تامین کردند. وقتی امریکا وارد جنگ شد تمام افراد نظامی خود را بیمه کرد و شرکتهای بیمه بابت هر مقتول وجه معتناهی بورثه اش دادند.

پیدایش و شیوع مرض انفلوانزا هم مبلغ مؤثر دیگری بوده بطوری که بیمه پیری و عمر و بهداشت سیر تصاعدی گرفت و دولتها کارگران را بیمه کرده قسمتی از هزینه را عهده کارفرما گذاشتند مثلاً شرکت جنرال موتورز کارگران خود را که آنوقت دویست و ده هزار نفر بودند بمبلغ هشتاد میلیون لیره بیمه کرد و کم کم در تمام کشورها عملی شد.

بامر رضاشاه کبیر مرحوم داور را در شهریور ۱۳۲۴ شرکت سهامی بیمه ایران را تأسیس کرد و اولین بیمه نامه آتش سوزی را بنام خود گرفت، با توجه به حدود نامحدود و قلمرو وسیع و لایتنهای وافق باز و آثار نمایان بیمه امید فراوان میرفت که در فاصله کوتاهی کمتر فعالیت اجتماعی یا اقتصادی بدون بیمه بماند ولی متأسفانه این مؤسسه دست بدست باشخاص رهگذر و نارسائی سپرده شد که بعضاً رو در محراب و دل در بازار پشت میز بیمه نشستند و بعضی دیگر درسنگر شرکت بیمه برای وزارت و وکالت و کارهای دیگر مجاهده و تلاش کردند و بیمه را که به صورت دینامیک در حرکت رشد و ترقی بود در ایران بصورت کند و را کد گذاشتند.

پول بیمه را بمنزله پل برای مقاصدی که کمتر با بیمه مربوط میشد عقیم



گذاشته، یا دست خرید و فروش زمین و هتل سازی و معاملات استقراضی زده یا طور دیگری بیمورد مصرف کردند و این ابتکار دنیای غرب که چندین قرن در کشورهای متمدنی سابقه دارد با وجود کثرت طرق ارتباطی و وسائل مخابراتی و عواملی که در اختیار جهان امروز است تاکنون حرکت لاک پشتی داشته و هنوز اکثریت مردم ایران بیمه را بصورت شرط بندی و یک کار تفننی تلقی می کنند .

اغلب کسانی که در رأس این دستگاه قرار گرفتند بطوری بخود مشغول بودند که بهیچوجه نتوانستند در رواج و تعمیم بیمه اقدام شایسته کرده و بیمه را آنطور که باید و شاید بجامعه معرفی کنند و در نشریات و تبلیغات بیمه بجای سرمقاله استدلالی و مباحث ترغیبی و حکایات تشویقی بدرج عکس رئیس و تعریف و تملق اکتفا کردند . اغلب این آقایان وارد و عاشق و مجذوب و علاقه مند باینکار یا بطور کلی بکار نبوده و قبول خدمت یا تحصیل مقام را برای احتراز از بیکاری خواسته اند و از هیچ اثر ارزنده و بارزی که حکایت از جنبش و جهش و علاقه مخصوص و مطالعه عمیق و آشنائی به فن کند دیده نمی شود و هم اکنون هیچ یک قدرت و امکان ندارند که بیلان مثبت و مفیدی از زمان تصدی و از تراوش فکری و علائم ترقی زمان خود بدهند که قابلیت عرضه و اظهار داشته باشد یا اقلاً همسنگ و هم آهنگ ترقیات و تحولات واحدهای دیگر باشد. سی و دو سال است بیمه داریم و هنوز توده متوسط ایران از چگونگی بیمه بی اطلاع است و اگر مقدار بیمه های اجباری و ناشی از تصمیم مؤسسات دولتی نبود می توانستیم اقرار کنیم که در تمام این مدت درجا زده یا یک قدم جلو یک قدم بعقب رفته ایم و خجالت می کنیم که در قیاس بیمه اسم ممالک پیشرو را بیاوریم حتی در ملل آسیائی بیشتر از ده مرتبه از هند و پاکستان عقب تریم و باز مینه های بکری که برای فعالتهای بیمه داریم هنوز شرکت سهامی بیمه ایران که در نوع خود معتبرترین مؤسسه موجود محلی است از توجیه اغلب انواع بیمه های معمول در ممالک راقیه و مذکور در کتب و تعالیم بیمه بی خبر و ناتوان است.

برای معاملات بیمه ای هنوز قسوانین و مقررات جامعی که اکثر موارد و

احتمالات را شامل و مشمول گردد و وضع نکرده‌ایم و با اینکه مؤسسات بیمه اکثراً در نهایت حسن نیت برای انجام تعهدات خود آمادگی نشان داده و برای تأمین خسارت مشتریان تلاش و گذشت داشته‌اند افراد بسیاری یافت میشوند که با یک بیمه شدن یا بیمه کردن بعلتی از علل پشیمان شده و بجای تکرار و توسعه، دیگران را منع و بادهانی که از شیر داغ سوخته است به دوغ سرد پف می‌کنند و بعضاً خطای استنباط خود را عدول و تخلف شرکتهای بیمه می‌پندارند و از اینکه در آغاز مغرور و در پایان مأیوس شده‌اند به بیمه و بیمه‌گر نظر بی‌مهری دارند زیرا شرایط و مقرراتی که صریح و رسا باشد و بتواند از تفسیر و تعبیر و سوء تفاهم احتراز کند نداریم.

نظامات و شرایط عمومی بیمه‌ها بقدری گیج و مبهم و ماست مالی شده است که اگر در یک مجلس برای ترجمه به تمام مترجمین رسمی قسم خورده داد گستری بدهیم انواع ترجمه و مفاهیم به تعداد مترجمین خواهد شد در صورتیکه حرف حسابی و شرط محکم و سند صحیح و مطلب صریح نزد هر چند نفر که باشد یک معنی و مفهوم واحد پیدا میکند.

هنوز بعد از هر تصادفی باید مدتی وقت صرف گفتگو و کشمکش و گزارش و آمد و شد کرد بطوریکه علاوه بر فرانشیز متعارف مقرر بیمه خود بیمه‌گزار هم در درمقایسه تشریفات زائد یک فرانشیز اضافی قائل میشود و برای احتراز از زیان بیشتر از مطالبه خسارت منصرف می‌گردد یعنی بآن کمال نرسیده‌ایم که طرفین بتوانند با تصدیق و تسلیم خود فیصله دهند زیرا اساس بر شک و تردید و بدبینی قرارداد دارد.

هنوز مؤسسات بیمه اگر با تومو بیلی خسارت وارد شد قیمت یدکی یا آسیب دیدگی را قبول می‌کنند و مدت تعمیر یا انتظار رسیدن قطعات را که گاهی مدتها اتوموبیل را از حیز انتفاع خارج میکند خسارت نمی‌شناسند و معلوم نیست خسارت معطلی باید از کجا جبران شود و مشتریان باید برای خیلی از نکات و مسائل از طریق مکاتبه و مقاوله جداگانه تعیین تکلیف کنند و انتظار می‌رود که بیمه ایران سرمشق صراحت و حسن تفاهم و جلب و جذب بازار بیمه باشد.